



ابعاد شبّهات وارد شده بر آیه اکمال (مطالعه موردی دیدگاه ابن تیمیّه)

ابعاد شبّهات وارد شده بر آیه اکمال (مطالعه موردی دیدگاه ابن تیمیّه)

علی جلیلی صفت^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

چکیده

هدف از انجام این مطالعه بررسی ابعاد شبّهات وارد شده بر آیه اکمال است که با مطالعه دیدگاه ابن تیمیّه انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف توسعه‌ای و از نظر نوع روش توصیفی-موردی است و در چارچوب مطالعات کیفی قرار دارد. از جمله آیاتی که بر ولایت و امامت امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) دلالت دارد و با دقت در محتوا و مضمون آن، چیزی جز مسئله ولایت و سرپرستی قابل استفاده نیست، آیه سوم از سوره مائده است؛ که در آثار عالمان و مفسران به نام آیه «اکمال» شهرت یافته است.

خداوند متعال فرموده است: «...الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» (سوره مائده، آیه ۳)؛ امروز کافران از (شکست) آیین شما مأیوس شدند؛ بنابراین، از آنها نترسید و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را برایتان کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به‌عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم...»

نتایج تحقیق نشان می‌دهد ابن تیمیّه با بیان اشکالاتی سعی کرده تا در دلالت این آیه بر ولایت و امامت حضرت علی (ع) مناقشه کند. لکن این اشکالات در این نوشتار مورد نقد و بررسی قرار گرفته و پاسخ‌های مستند و متقنی داده شده است.

کلیدواژه‌ها: آیه اکمال، پیامبر اکرم (ص)، غدیر خم، امام علی (ع)، ابن تیمیّه

۱ - استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، نویسنده مسئول، alijalesefat@gmail.com



Dimensions of Doubts Raised on the Verse of Completion (Case Study of Ibn Taymiyyah's Viewpoint)

Abstract:

The aim of this study is to examine the dimensions of the doubts raised concerning the Verse of Completion, analyzed through the perspective of Ibn Taymiyyah. This research is developmental in its objective and descriptive-case in its methodological approach, positioned within the framework of qualitative studies. Among the verses that indicate the guardianship and leadership of Amir al-Mu'minin, Imam Ali (AS), the third verse of Surah Al-Ma'idah stands out. Upon close examination of its content and meaning, it aligns solely with the issue of guardianship and leadership; it is well-known among scholars and commentators as the "Verse of Completion."

God, the Almighty, has stated: "...Today those who disbelieve have despaired of (defeating) your religion; so fear them not, but fear Me. Today I have perfected your religion for you and completed My favor upon you and have chosen for you Islam as religion..." (Surah Al-Ma'idah ۵:۳).

The results of the research indicate that Ibn Taymiyyah attempted to dispute the indication of this verse regarding the guardianship and leadership of Imam Ali (AS) by raising objections. However, these objections have been critically examined in this work, providing well-documented and credible responses.

Keywords: Verse of Completion, Prophet Muhammad (PBUH), Ghadir Khumm, Imam Ali (AS), Ibn Taymiyyah

مقدمه

آیات منتسب به ولایت، همواره مورد توجه علمای اسلام از جمله جامعه تفسیری فریقین بوده است. دشمنان اسلام از ابتدای بعثت پیامبر اکرم (ص) تا آخرین روزهای زندگی ایشان، با حرب‌های مختلف به جنگ اسلام آمدند و در هر مرحله‌ای که شکست خوردند، امیدوار به آینده بودند، لیکن در هنگام نزول آیات منتسب به ولایت امام علی (ع)، این حجم از عداوت و دشمنی فراتر از حد معمول بوده است و همواره برای خاستگاه و دلیل نزول آیه، شبهات متعددی را مطرح کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به آیه تطهیر، آیه انفاق، آیه لیل‌المیت و آیه اکمال اشاره کرد. در یکی از مهم‌ترین این آیات، حادثه‌ای رخ داده است که نه تنها دشمن، شکست تازه‌ای خورده، بلکه برای تضعیف جایگاه اسلام واقعی هم ناامید شده است. در هنگام نزول آیه اکمال کفار برای همیشه از زوال و نابودی در دین اسلام مأیوس شدند (رحمان ستایش، ۱۴۰۱: ۶۳). با این نصرت و پیروزی بزرگ که هنگام نزول این آیه حاصل شد، مسلمانان نباید از دشمنان و کفار در هراس باشند، بلکه تنها باید از مخالفت با فرامین و اوامر الهی بترسند. در این روز باشکوه و پراهمیت، دین اسلام کامل و نعمت‌های الهی بر مسلمانان تمام شد و همچنین شکوه و عظمت آن روز و حادثه‌ای که در آن اتفاق افتاده، به قدری فراوان است که خداوند متعال، اسلام را به‌عنوان آیین همیشگی پذیرفته است. در این خصوص مفسران شیعه در آثار خود مانند التبیان فی تفسیر القرآن، مجمع‌البیان، المیزان و... و همچنین مفسران سنی در آثار خود مانند التفسیر الکبیر، کشف الدّر المنثور و... این آیات را مورد بررسی قرار داده‌اند. از طرفی برخی از کتاب‌ها که برای اثبات ولایت و رد مخالفان نوشته‌اند، می‌توان به احقاق‌الحق و ازهاق الباطل (قاضی نورالله شوشتری)، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب (علامه امینی)، المراجعات (سید شرف‌الدین عاملی) و همچنین آیات ولایت در قرآن (آیت‌الله مکارم شیرازی) اشاره کرد (حسینی، ۱۳۹۸: ۲۳).

لذا بررسی آیه اکمال از آن جهت که سند حقانیت مذهب تشیع تلقی می‌شود، از جایگاه مهمی برخوردار است و تبیین و روشن‌گری در باب آن باید به‌صورت مستمر

برای آگاهی بخشیدن به جوامع مسلمان مورد توجه قرار گیرد. از آنجایی که دشمنان واقعی اسلام، برای به انحراف کشاندن این آیه تشیع، از هیچ برنامه و طرحی چشم‌پوشی نکرده‌اند و در حال حاضر نیز این آیه از سوی جریان‌های انحرافی ایجاد شده از اسلام مورد حمله قرار گرفته است، دفاع از جامعیت و حقانیت آن از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا پرداختن به مجموعه‌ای از علت‌ها و پیامدها در باب نزول این آیه، ضرورت انکارناپذیر است. با توجه به اینکه تاکنون ابعاد ستیزه‌جویی دشمنان با این آیه، تاکنون انجام نشده است، بیم آن می‌رود که جریان‌های انحرافی بیش از پیش بر ایجاد ابهام‌های متعدد برای آن از هیچ کوششی دریغ نکنند. به‌همین دلیل محققان، پژوهشگران و عالمان مذهب تشیع، در هر برهه تاریخی تلاش کرده‌اند تا با ارائه مستندات و دلایل صریح و واضح، به مقابله با جریان‌های انحرافی هدایت شده از سوی دشمنان اسلامی واقعی همت گمارند، اما این تلاش‌ها تاکنون منجر به شناخت ابعاد ستیزه‌جویی آنها نشده است. در واقع چنانچه این ابعاد این دشمنی به‌صورت جامع و دقیق بررسی شود، می‌توان به‌صورت مستقل با هر یک از دلایل و خصومت‌های دشمنان مبارزه نمود و با جهاد تبیین در روشن‌گری هرچه بیشتر عظمت و اهمیت جایگاه ولایت و امامت تلاش کرد. در همین راستا این تحقیق بر آن شده است تا به بررسی ابعاد شبهات وارد شده بر آیه اکمال از سوی یکی از تأثیرگذارترین افراد جریان انحرافی یعنی ابن تیمیه پردازد که جریان‌های انحرافی متعددی از جمله القاعده، داعش و... در دشمنی با اهل‌بیت (ع)، از وی الهام گرفته‌اند لذا بررسی دقیق خاستگاه شخصیتی و اعتقادی ایشان، می‌تواند دلایل ستیزه‌جویی و شبهه افکنی وی را بهتر از گذشته نمایان نماید. لذا مسئله تحقیق مشخص نبودن پاسخ شبهات وارد شده به آیه اکمال از سوی ابن تیمیه است تا بتوان با بررسی این مسئله، بستری مناسب برای مواجهه با جریان‌های انحرافی در عصر حاضر فراهم کرد. در ادامه پیشینه پژوهش‌های انجام شده در خصوص آیه اکمال ارائه می‌شود.

رحمان ستایش و همکاران (۱۴۰۱)، در بررسی تفسیری آیه کمال بیان داشتند، برخلاف دیدگاه اکثر

در پژوهشی با عنوان تناسب آیه سوم سوره‌ی مائده از دیدگاه اهل سنت، اظهار داشتند نظر به سیاق آیه اکمال و پیوندش با صدر (بخش اول) و ذیل (بخش سوم) آیه اهل سنت آن را گزاره‌ای معترضه می‌دانند که در فاصله بین محرمات پیش از خود و رخصت پس از آن آمده است و توجیهاً گوناگونی برای تبیین این اعتراض دارند. در نقد و بررسی این رأی علاوه بر بازخوانی مقوله اعتراض در علم بلاغت و با استناد به نظر مفسران درباره‌ی شان نزول سوره مائده (در مدینه و پیش از حجه‌الوداع) و تفاوت زمانی و عدم پیوستگی نزولی آن با نزول آیه اکمال قابل تأمل است و پس از نزول آیه اکمال و براساس قاعده کلی توقیفی بودن چینش آیات، پیوستگی قرائتی و استدلال تفسیری دال بر پیوستگی آن آیه را نشان داده است و می‌توان بیان داشت اهل سنت نیز (جز در مواردی که عناد و دشمنی از آن مستولی است)، کامل شدن دین را به موضوعی فراتر از متن ظاهری آیه نسبت داده‌اند (حسینی، ۱۴۰۱: ۱۳۴). در پژوهش خود با عنوان آیه اکمال و دلالت آن بر واقعه غدیر بیان داشتند که آیه اکمال، از جمله آیاتی است که مفسران در باب مراد متکلم از کمال یافتگی دین در آن اختلاف نظر دارند. در میان قرائت‌های مختلفی که از کمال یافتگی دین در میان مفسران وجود دارد، دو خوانش وجود دارد که یکی کمال دین که محصول اتمام نزول فرامین وحیانی است و دیگری جاودانگی دین با امر ولایت است. با توجه به اینکه دو قرائت مذکور متکی بر قرائن برون‌متنی از جمله شأن نزول و مستندات روائی است؛ بنابراین اگر ساختار آیه اکمال از دو رویداد جامعیت و ولایت واکاوی معنایی شده و سپس شاخص‌های مفهومی آن دو را منطبق با تفسیرهای پیرامون آن بررسی شود، در نهایت می‌توان پیش‌بینی نمود، دستاورد کلی مبین آن است که واقعه غدیر خم دارای شرایط مساعدتری برای تبلور در قالب‌بندی‌های تحلیلی و توصیفی است (کیایی، ۱۳۹۹: ۵). با تبیین فهم آیه اکمال دین بر اساس نظم فراخطی قرآن بیان داشت، طبق دیدگاه گروهی از مفسران و قرآن‌پژوهان آیه اکمال دین، با قبل و بعدش هماهنگی ساختاری و تلازم معنایی ندارد که این ناسازگاری بیشتر ناشی از نوع نگرش به متن قرآنی است که متن را مطابق قواعد رایج در عرف و رابطه خطی و طولی آیات، یعنی

مفسران اهل تسنن، دیدگاه اکثر مفسران شیعی حاکی از دلالت آیه بر ولایت امام علی (ع) است. البته روایات دال بر این معنا محدود در مصادر روایی شیعه نیست و در برخی مصادر روایی اهل سنت منعکس شده است. بر این پایه بعید نیست که اختلاف‌ها در مورد دلالت آیه، ریشه در امری غیر از روایات داشته باشد و آن چگونگی فهم ارتباط موجود میان آیه اکمال و آیه محرمات از طعام است. فهم نادرست این ارتباط، زمینه طرح دیدگاه ناسازگاری سیاقی در استدلال به آیه اکمال بر ولایت امام علی (ع) را فراهم آورده است. نتایج بررسی توصیفی در چارچوب مطالعات اسنادی و تحلیل تطبیقی پژوهش‌های گذشته نشان داد، آیه اکمال خواه پیوستگی نزولی با آیه محرمات طعام داشته باشد و خواه نداشته باشد، با توجه به متوقف نبودن دلالت آیه محرمات از طعام بر آیه اکمال و تغییر لحن در آیه اکمال، آیه‌ای معترضه است. لذا ممکن است این چنین استدلال شود آیه اکمال با دلالت بر ولایت امام علی (ع)، به حسب معنا با آیه محرمات از طعام مرتبط است. در حالی که روایات صادره از معصومان (ع) در خصوص آیه اکمال، کوششی هوشمندانه به منظور اثبات نادرستی این دیدگاه بوده است (رحمان ستایش، ۱۴۰۱: ۶۵). با تحلیل و بررسی دیدگاه‌ها و آراء مفسران درباره مراد «نعمت» در آیه اکمال بیان داشتند، برخی از مفسران با اشاره به تحولات گوناگون معنای نعمت ذیل این آیه، در طراحی الگویی ساختاری، برای اثبات معنای نعمت به معنی «ولایت الهی» تلاش کرده‌اند. نتایج بررسی نشان داد، مفسران در تفاسیر فرهنگی از طریق تأکید بر ضرورت تشریح احکام توسط پیامبر (ص)، برچیده شدن پدیده نسخ بعد از نزول این آیه را نتیجه گرفته‌اند. لذا مانایی آموزه‌های قرآنی، اکمال دین و همچنین واکاوی شبکه ارتباطی آیات، می‌تواند ولایت و تطبیق آن با ولایت امام علی (ع) را به عنوان مصداق برتر تأیید نماید. در واقع اختصاص و محدود کردن نعمت به مراسم حج به تزییع محتوا و پیام آیه می‌انجامد و تبعات عدم فهم دقیق‌تر آیه را به دنبال دارد. از جمله راهبردهای مفسران تفسیر فرهنگی، بیان معانی گسترده‌تر نعمت از جمله اسلام و شناخت با توجه به تفسیر روشمند آیات و اصل فرا زمانی و فرا مکانی بودن قرآن است (غلامی نژاد، ۱۴۰۱: ۳۱).

انجام شده، بررسی شبهات مورد توجه قرار گرفته است و برای اثبات آن از ادله و اسناد معتبری استفاده شده است، اما توجه به ابعاد شبهات ایجاد شده تاکنون به صورت مستقل بررسی نشده است. در واقع نمی توان از نتایج پژوهش های گذشته به آن دست یافت. لذا هدف اصلی پژوهش، شناخت ابعاد شبهات وارد شده بر آیه اکمال از دیدگاه ابن تیمیه است و سؤال پژوهش این چنین مطرح خواهد شد که شبهات وارد شده بر آیه اکمال از دیدگاه ابن تیمیه دارای چه ابعادی است و چه خاستگاهی دارد؟ لذا برای پاسخ گویی به این پرسش باید استدلال و گزاره های مرتبط با آن احصا شده و با شناسایی نقاط مشترک این گزاره ها، ابعاد این بررسی تعیین شود.

← پیشینه پژوهش

پژوهش در زمینه آیه اکمال و دلالت های آن بر ولایت و امامت امام علی (ع) از دیرباز مورد توجه عالمان اسلامی قرار گرفته است. آیات قرآن به خصوص آیه ۳ سوره مائده به عنوان یکی از مهم ترین متون دال بر ولایت، در کتب تفسیر و اصول فقه بررسی شده اند.

← تحقیقات انجام شده

در این راستا، چندین تحقیق و مطالعه به بررسی ابعاد مختلف آیه اکمال و دلالت های آن پرداخته اند. برخی از این پژوهش ها به تحلیل لغوی و بیانی آیه می پردازند، در حالی که دیگران به بررسی تطبیقی نظرات عالمان مختلف، از جمله مفسران اهل سنت و شیعه، توجه دارند.

← وجه تمایز و تشابه

♥ وجه تمایز:

نگاه خاص به ابن تیمیه: این پژوهش به صورت ویژه به بررسی دیدگاه های ابن تیمیه و نقد شبهات او در خصوص دلالت آیه اکمال می پردازد، در حالی که بسیاری از پژوهش ها به تحلیل کلی آیات و سنت پیامبر (ص) می پردازند و کمتر به عقاید خاص ابن تیمیه توجه دارند. روش شناسی کیفی: این مطالعه با استفاده از روش شناسی کیفی و به صورت توصیفی موردی انجام شده است، در حالی که برخی از تحقیقات به روش های کمی یا تحلیلی وابسته هستند.

♥ وجه تشابه:

محتوای بررسی: اکثر مطالعات انجام شده به دلالت

توجه به روابط پسین و پیشینی آیه در سیاق و خطی مشخص در نظر گرفته است؛ اما با تغییر آن نگرش و گذر از نظم خطی، شبکه ای از ارتباطات دور و نزدیک میان این آیه و آیه های دیگر شکل می گیرد که می توان آیه اکمال را با روش تحلیل و تطبیق ساختارهای متوازن در مسیر فرایند فهم درست قرار داد. رهیافت حاصل از واکاوی شبکه ارتباطی آیات مرتبط با آیه اکمال دین، اهمیت و ضرورت امر ولایت را در پی دارد. همان امری که مطابق دیدگاه شیعه، دین با آن کامل شد و کافران را یأس فرا گرفت. اگرچه از ظواهر آیات سوره، اعلان رسمی ولایت امام علی (ع) در روز غدیر خم به دست نمی آید، اما از دلالت آیات ۵۵ و ۵۶ و ۶۷ مائده، بهره مندی حق ولایت برای «الذین آمنوا» و انطباق مصداق برتر آن به علی بن ابی طالب (ع) در صورت پذیرش خصوص سبب نزول آیه ولایت در حق ایشان به دست می آید (قرایی سلطان آبادی، ۱۳۹۶: ۱۵۰). در پژوهشی با عنوان آیه اکمال و ارتباط آن با مسئله امامت امیرالمؤمنین علی (ع) بیان داشتند. این آیه بیانگر روزی بسیار مهم در تاریخ اسلام و رسالت پیامبر اکرم (ص) است که با چهار ویژگی مهم مایوس شدن کفار، کامل شدن دین، اتمام نعمت الهی و رضایت خدا به نهایی بودن دین اسلام، توصیف شده است. نتایج پژوهش نشان داد، دانشمندان شیعه با پشتوانه قرائن عقلی و نقلی معتقدند که این آیه در سرزمین غدیر خم، نازل شده است، همین امر موجب شد تا دشمنان اسلام ناامید و نعمت خدا کامل شود و خداوند متعال رضایت دهد بر اینکه اسلام دین جاودانی مردم باشد. از طرفی اقوال علمای اهل سنت در این زمینه مختلف است و درباره تعیین آن روز تاریخ ساز، احتمالات گوناگونی را مطرح کرده اند. از جمله اینکه، منظور روز عرفه یا روز بعثت پیامبر (ص) یا روز فتح مکه و یا روز نزول آیه براءت است. در بررسی نهایی اشکال اصلی درباره احتمالات ذکر شده این شد که در هیچ کدام از این روزها، کفار و مشرکان از پیروزی بر اسلام مایوس نشدند و دین نیز کامل نگردید؛ بنابراین این روز، تنها روزی است که می تواند روایاتی که از طریق شیعه و اهل سنت درباره شأن نزول آیه اکمال وارد شده تأیید کند (حسینی، ۱۳۹۶: ۶).

بررسی مطالعات نشان داد، اگرچه در اغلب پژوهش های

همه این سوره‌هایی که ذکر شدند، پیش از سوره مائده و پیش از این آیه مورد بحث نازل شده‌اند، زیرا طبق گفته مفسران شیعه و اهل سنت سوره مائده آخرین سوره یا یکی از آخرین سوره‌هایی است که به پیامبر اکرم (ص) نازل شده است (سیوطی، ۱۹۹۳: ۸۶)، بنابراین تعبیر به کامل کردن دین و تمام و کامل کردن نعمت بر مسلمانان و رضایت پروردگار متعال به اسلام، به‌عنوان آیین جاودان، با اینکه پیش از نزول این آیه نیز چنین احکامی نازل شده بوده است، معنا ندارد؛ و از طرفی چنانچه، برخی از مفسران بیان کرده‌اند، اگر کامل شدن دین با نزول این احکام صورت گرفته باشد، پس احکامی که بین نزول این آیه تا رحلت پیامبر اکرم (ص) نازل شده‌اند، نمی‌تواند جایگاهی برای تعیین احکام آن داشته باشد. با بررسی دقیق واژگان ارتباط‌دهنده این کلمه می‌توان این چنین استدلال کرد که از ابتدای آیه تا «ذَلِكُمْ فَسُقِّ» و قسمت پایانی آیه یعنی «فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ» تا آخر آیه، کلامی کامل است که در رساندن معنا و مقصود خود به چیزی از فراز «الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ...» تا «رَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» هیچ نیازی ندارد و به آن وابسته نیست. لذا برخی از مفسران به معترضه بودن فراز مورد بحث تصریح کرده‌اند به‌ویژه در روایات معصومان، صحابه و تابعین، این فراز همیشه به‌صورت مستقل مطرح شده است. از طرفی می‌توان این چنین استدلال کرد که این فراز مورد بحث در بین احکام مربوط به گوشت‌های حرام برای محافظت از تحریف و حذف و تغییر بوده باشد. به‌همین دلیل در ادامه معنای دیگری از این کلمه که از صدر و ذیل آیه مستقل است مورد بررسی قرار می‌گیرد (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴۹).

❖ «الیوم» به معنای روز فتح مکه

این احتمال با توجه به این است که یکی از روزهای بسیار با عظمت در تاریخ اسلام و دوره زندگانی پیامبر اکرم (ص) همین روز است؛ زیرا در این روز مشرکان قریش شکست خوردند و کید و نیرنگ آنها باطل و شوکت آنها از بین رفت و اساس دین جاهلی آنها با شکسته شدن بت‌ها نابود شد. لذا از اینکه در مقابل اسلام بایستند و جلوی نشر و نفوذ اسلام را بگیرند، ناامید شدند. از طرفی با بررسی معنایی آیه و با توجه به اطلاق آن، منظور از کفاری که در این آیه یأس و ناامیدی آنها مطرح

آیه اکمال بر ولایت و امامت امام علی (ع) و نقش آن در پی‌ریزی نظام سیاسی اسلامی اشاره دارند. استفاده از منابع مشترک: بسیاری از پژوهش‌ها، شامل منابع و متون مشترکی چون تفاسیر قرآن، آثار فقهی و کلامی علما را مورد استناد قرار می‌دهند.

❖ مبانی نظری

در میان مفسران جای شک و تردید نیست که معنا و حکمت آیه سوم سوره مبارکه مائده (حسینی، ۱۳۹۶: ۱۲)، چیزی فراتر از یک روز ساده را بیان می‌کند و باید روز بسیار مهمی در تاریخ زندگی پیامبر باشد. لذا برای تعیین اهمیت شرح نزول آیه اکمال، در ابتدا با بهره‌مندی از روایات و احادیث، به تشریح مضمون آیه و بررسی واژگان اصلی آن پرداخته می‌شود.

❖ کلمه «الیوم» در معنای ظاهری

یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌های این آیه که در بسیاری از تفاسیر و روایت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است کلمه «الیوم» است. با توجه به اینکه خداوند متعال در صدر و ذیل و در انتهای آن در همین باره صحبت کرده است، معنای ظاهری دلالت بر تشریح یک حکم اسلامی در منع استفاده از گوشت حرام دارد؛ اما با توجه به واژه‌های به‌کار رفته در متن آیه با این ترجمه که «... امروز، دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به‌عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم...» نمی‌توان کلمه الیوم را نزول احکام مربوط به گوشت‌های حرام دانست، زیرا نزول این احکام سبب یأس کفار نمی‌شود و تأثیر چندانی در روحیه کافران ندارد و اینکه گوشت‌هایی حلال یا حرام باشد، آنها حساسیتی در آن ندارند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۴۶). با توجه به اینکه شبیه به همین مضمون در برخی از سوره‌ها وارد شده است که از جمله در سوره بقره فرمود: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ...؛ خداوند تنها (خوردن گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و... را حرام کرده است» و در سوره نحل نیز مانند همین را فرمود؛ بلکه در سوره انعام فرمود: «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرُّتُمْ إِلَيْهِ...؛ چرا از آنچه نام خدا بر آن برده شده نمی‌خورید؟ درحالی که (خداوند) آنچه را بر شما حرام بوده، بیان کرده است مگر اینکه ناچار باشید...» از طرفی

شده است، همه مشرکان و کفار هستند. در حالی که همه آنها از نابودی دین مسلمانان ناامید نشدند، به این دلیل که بسیاری از عهدها و پیمان‌ها بعد از این فتح نیز به قوت و اعتبار خود باقی بود و مشرکین در کنار کعبه با رسم و رسوم خود و به شیوه جاهلیت حج را بجای آوردند. تا اینکه آیات برائت نازل شد و با خواندن آیه توسط امام علی(ع)، رسوم جاهلیت به پایان رسید. از طرفی آیه دلالت بر کامل شدن دین نیز می‌کند، در حالی که فتح مکه ارتباطی با کامل شدن دین ندارد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۷۳).

❖ «الیوم» به معنای روز عرفه

این معنا، طرفداران بسیاری در بین اهل سنت دارد؛ زیرا افرادی مانند ابن تیمیّه در اشکالاتی که بر این آیه وارد کرده است، به همین مطلب نیز اشاره کرده‌اند؛ اما باید توجه داشت، با فرض وقوع آیه در روز عرفه در آنچه حادثه‌ای منجر به یأس کفار و کامل شدن دین شده است؛ زیرا اگر گفته شود که مسائل مربوط به حج برای مردم بیان شد و به آنها تعلیم داده شد، نمی‌تواند ارتباطی با مایوس شدن کفار داشته باشد. همان‌گونه که نمی‌توان این مطلب را باعث کامل شدن دین دانست، در حالی که احکام مختلفی بعد از این روز برای مردم تشریح و تبیین شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹).

❖ «الیوم» به معنای غدیر خم

بنابراین هیچ‌یک از احتمالاتی که بیان شد با محتوا و مضمون آیه سازگار نیست و در اینجا احتمال دیگری هست که تمام مفسران شیعه آن را در کتاب‌های خود بیان و آن را پذیرفته‌اند که این احتمال با محتوا و مضمون آیه کاملاً هماهنگ و سازگار است و آن اینکه منظور از این روز باشکوه که ناامیدکننده کفار بوده و موجب جلب رضایت الهی شده است و همچنین با وقوع آن دین و نعمت پروردگار کامل شده است، روز هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجرت است. روزی که پیامبر اسلام(ص) در راستای اجرای فرمان پروردگار، امام علی(ع) را به ولایت منصوب و خلافت آن حضرت را به صورت رسمی برای همه مسلمانان اعلام کرد. در ادامه به مهم‌ترین دلایل تطبیق آیه با واقع غدیری خم پرداخته می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹).

❖ سایر واژگان کلیدی آیه اکمال

واژه «اکمال» از ریشه «کمل» است؛ که بنابر نظر لغتش ناسان در ثلاثی مجرد آن «کَمَل، یَکْمَل، کَمَالاً» گفته می‌شود؛ و واژه کمال در مورد چیزی که اجزای آن تمام و کامل است و برای او کفایت می‌کند، استفاده می‌شود؛ و این واژه که به باب افعال رفته و متعدی شده است، به معنای «کامل کردن» است. همچنین واژه «تمام» که از ماده و ریشه «ت، م، م» است از جهت معنا به واژه «اکمال» نزدیک است و در کلام برخی دیگر از لغت‌شناسان این واژه به «کامل کردن اجزا» معنا شده است، زیرا وقتی اجزای چیزی کامل شد یعنی به حد و اندازه‌ای رسیده است که نیازی به چیزی دیگر از بیرون خود ندارد (طبرسی، ۳۷۲: ۷۹).

❖ دلایل تطبیق آیه اکمال با واقع غدیر خم

۱. دشمنان اسلام پس از ناکامی در تمام توطئه‌ها، جنگ‌ها، تفرقه‌افکنی‌ها و پس از تمام تلاش‌هایی که برای محو اسلام داشتند، تنها به این امید داشتند که پس از ارتحال آن پیامبر اکرم(ص)، مخصوصاً با توجه به اینکه پسری ندارد تا جانشین او شود و تا آن روز نیز به صورت رسمی جانشینی را برای خود معرفی نکرده بود، بتوانند به آرزوی خود برسند و ضربه نهایی را بر اسلام وارد کنند؛ اما وقتی آن حضرت، در صحرای غدیر خم و در بین جمعیت انبوه و کم‌نظیر مسلمانان، عالم‌ترین، قدرتمندترین و بهترین شخصیت از هر جهتی را به عنوان جانشین خود معرفی کردند، آرزوهای خود را برپا کرده دیدند و از نابودی اسلام مأیوس شدند.
۲. با انتخاب امام علی(ع) نبوت قطع و ناتمام نماند، بلکه به سیر تکاملی خود ادامه داد، زیرا امامت کامل‌کننده نبوت و در نتیجه باعث کمال دین است؛ بنابراین خداوند متعال با انتخاب حضرت علی(ع) به عنوان خلیفه و جانشین رسول اکرم(ص)، دین خود را کامل کرد.
۳. اینکه برای دین خدا و برای مسلمانان چنین سرپرستی قرار داده شد که پس از رسول اکرم(ص) کار تبیین دین و رهبری مردم را به عهده بگیرد، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خدا بر مردم بود که خداوند متعال بدین وسیله نعمت خود را بر مردم تمام و کامل کرد.
۴. با توجه به اینکه چنین رهبری برای مردم و چنین جانشینی برای پیامبر اکرم(ص) معرفی شد، خداوند

متعال راضی شد که اسلام، دین مردم باشد.

۴. براساس اعتراف برخی از دانشمندان اهل سنت، پیامبر اسلام(ص) پس از نزول این آیه، ۸۱ یا ۸۲ روز بیشتر عمر نکردند و این مطلب تنها با نزول این آیه در روز هجدهم ذی الحجه منطبق و هماهنگ است؛ زیرا اهل سنت معتقدند که پیامبر اسلام(ص) روز دوازدهم ربیع الاول رحلت فرمودند؛ البته این نظریه در بین علمای شیعه نیز طرفدارانی دارد، از جمله مرحوم کلینی معتقد است که تاریخ وفات پیامبر(ص) روز دوازدهم ربیع الاول بوده است، چنانکه روز ولادت حضرت را نیز در همین روز می‌داند؛ بنابراین با بررسی ماه‌های قمری می‌توان ادعا کرد که دقیقاً مصادف با هجدهم ذی الحجه و روز عید غدیر خم است؛ بنابراین آیه اکمال از جهت مضمون و محتوایی که دارد تنها بر ولایت امام علی(ع) منطبق است و قرائنی نیز این مطلب را تأیید می‌کند که از جمله آنها روایات فراوانی است که از طریق اهل سنت و شیعه نقل شده‌اند و در آنها تصریح شده است به اینکه آیه اکمال در روز هجدهم ذی الحجه و در غدیر خم، پس از اینکه پیامبر اسلام(ص) ولایت امام علی(ع) را به مردم اعلام کرد، نازل شده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۴۸).

👉 **بیان مفسران اهل تسنن در تفسیر «الیوم»**
در روایات فراوانی که از طرق معروف اهل تسنن و شیعه نقل شده است، به صورت صریح و روشن این مطلب بیان شده است که این آیه شریفه در روز غدیر خم و به دنبال ابلاغ ولایت حضرت علی(ع) نازل شد. با توجه به اینکه در این نوشتار در پاسخ به اشکالات ابن تیمیه به برخی از این روایات و منابع مختلف آن اشاره خواهد شد، لذا در این بخش تنها به ذکر سه روایت از اکتفا شده است.

🔹 روایت اول

ابونعیم با سندش به ابوسعید خدری روایت کرده است که گفت: «پیامبر اکرم(ص) در روز غدیر خم مردم را به سوی علی(ع) دعوت کرد و دست علی(ع) را گرفت و آن را بلند کرد به گونه‌ای که مردم سفیدی زیر بغل پیامبر اکرم(ص) را مشاهده کردند؛ سپس متفرق نشدند تا اینکه آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» نازل شد؛ پس رسول خدا(ص) فرمودند: «الله أكبر بر کامل شدن دین و تمام و

کامل شدن نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و به ولایت علی پس از من». سپس فرمودند: «هر کس من مولای اویم، پس علی مولای اوست، پروردگارا! دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار، یارانش را یاری کن و آنها که یاری‌اش را ترک کنند از یاری خویش محروم ساز»

🔹 روایت دوم

روایت دوم از حاکم حسکانی به نقل از ابوهریره که راوی مورد قبولی در نزد اهل سنت است که می‌گوید: «کسی که روز هجدهم ذی الحجه را روزه بگیرد، معادل روزه شصت ماه برایش ثواب می‌نویسند و این روز همان روز غدیر خم است که پیامبر(ص) دست علی را گرفت پس گفت: «آیا من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟» گفتند: «آری یا رسول الله» سپس فرمود: «هر کس من مولای اویم، پس علی مولای اوست». عمر بن خطاب گفت: «آفرین بر تو باد! آفرین بر تو باد! ای پسر ابی طالب مولای من و مولای هر مؤمنی شدی» و خداوند آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» را نازل کرد.»

🔹 روایت سوم

روایت سوم از جلال‌الدین سیوطی که او نیز از ابوسعید خدری چنین نقل می‌کند: «هنگامی که پیامبر اسلام(ص) در روز غدیر خم علی را به ولایت او جانشینی خود منصوب کرد و ولایت او را به مؤمنان اعلام کرد، جبرئیل با آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» بر پیامبر نازل شد.» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۲).

🔹 شناخت خاستگاه سیاسی و اعتقادی ابن تیمیه

احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه حرانی معروف به ابن تیمیه (۱۰ ربیع‌الاول ۶۶۱-۲۰ ذی‌قعدة ۷۲۸) در اهل تسنن و او را با القابی مانند شیخ‌السلام، مفسر، رجالی، مفتی و ادیب یاد کرده‌اند. مخالفت ابن تیمیه با زیارت قبور و طلب شفاعت، یکی از دلایل جنجالی شدن عقاید او میان مسلمانان بوده است. به گونه‌ای که ساختار وهابی از نظرات او اثر پذیرفته‌اند. او شیعیان را دشمنان داخلی می‌دانست که قتل آنها از صلیبیون واجب‌تر می‌دانست. برای مثال ابومصعب الزرقاوی، از رهبران القاعده به

نظرات ابن تیمیه در مورد کفر شیعیان استناد می‌کرد و در این خصوص علمای شیعه با او مخالفت کرده و او را یک منحرف می‌دانستند (فیومی، ۱۳۹۱: ۷۶). ابن تیمیه برای اولیا و برگزیدگان نیروی مافوق بشری قائل بود، ولی زیارت قبور ائمه و پیامبران را بدعت و شرک می‌دانست و همچنین توسل به شفاعت مقدسین را شرک می‌دانست. ابن تیمیه در حدود شصت مسئله برخلاف اجماع نظر داده که برخی از آنها مربوط به اصول دین و برخی مربوط به فروع دین است؛ به همین دلیل علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت و شیعه نقدها و ردیه‌های بسیاری بر آثار او نوشته‌اند. او شیعیان را از نظر دینی فاسد و مسبب مشکلات امت اسلام می‌دانست و به آنها لقب رافضی داده بود و در این خصوص کتاب «منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه والقدریه» را در پاسخ به علامه حلی و در نقد شیعه دوازده‌امامی نوشت؛ او برای انتقاد از شیعیان به شباهت‌های آنان به مسیحیان و یهودیان اشاره و آنها را متهم می‌کرد. عالمانی از اهل سنت و حتی سلفی‌ها، شیعیان امامی و زیدی در مخالفت با منهاج السنه کتاب نوشته‌اند. ابن تیمیه با اتکا به آنچه در این کتاب بیان کرده، متهم به ناصبی بودن شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۸).

او معتقد بود که قرآن و حدیث را با معانی متداول باید فهمید و کسانی را که به معانی مجازی و کنایه‌ای حمل می‌کنند، باید تاویل‌گرا نامید. به همین دلیل اتکا به ظواهر قرآن و تفسیر روایی روش ابن تیمیه برای تفسیر قرآن است، او تفسیر بدون رجوع به احادیث را حرام می‌دانست. ابن تیمیه روش خود در تفسیر را در کتاب «مقدمه فی اصول التفسیر» ارائه داده است. بر طبق نظر او پیامبر اسلام (ص) تمام قرآن را برای صحابه تفسیر کرده و با نقل صحابه، تابعین آن تفاسیر را جمع‌آوری کرده‌اند. براساس روش ابن تیمیه ابتدا قرآن به قرآن تفسیر می‌شود و در مرحله بعد باید به سنت نبوی و در نبود سنت نبوی به اقوال صحابه و در نهایت به تفاسیر تابعین رجوع شود. در واقع ابن تیمیه در امور اعتقادی، ظاهر کتاب را حجت دانسته، تاویل کلام برخلاف ظاهر یا هرگونه باطن مخالف با ظاهر را که گاه به بهانه دوری از تشبیه و تجسیم مطرح می‌گردد، رد می‌کند (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۲: ۱۵۳). ابن تیمیه معتقد است امام

علی (ع) در ۱۷ مورد، خلاف نص قرآن عمل کرده است و جنگ‌های او نه به خاطر دین‌خواهی، بلکه به خاطر دنیاطلبی و ریاست‌طلبی بوده است. به تصریح او، مجموع احادیث صحیح در فضل امام علی (ع) افزون بر ۱۰ حدیث است، ولی وی هیچ حدیثی را در مناقب امام علی (ع) صحیح نمی‌داند. به عنوان نمونه، احادیث سدالابواب، منزلت، معیت علی و حق، مؤاخات، مدینه‌العلم، ولایت علی بر تمام مومنان، رد الشمس، حدیث معروف غدیر و صدقه دادن انگشتی در مسجد از این دست‌اند. برخی این رویکرد را برابر با شیوه منصفانه او در بازگو کردن واقعیات به دور از غلو شمرده یا پیامد اشتباه‌های علمی وی به خاطر تکیه بر حافظه در نقل و نقد احادیث دانسته‌اند. اما گروهی آن را بر پایه شیوه خاص مناظرات وی در برابر مخالفان، بدون پایبندی به مفاد کلام خود، شمرده‌اند. برخی نیز با الهام از مناقشات بی‌امان وی در انکار احادیث صحیح در فضیلت‌های علی (ع)، آن را حاکی از نوعی بغض پنهانی به ایشان دانسته‌اند.

بسیاری از نویسندگان، روایت‌های یاد شده را بررسی کرده و از طرق مختلف صحت آن را به اثبات رسانده‌اند (زریاب خوبی، ۱۳۷۴: ۵۸). او شیعیان را به سه دسته غالیان، اثناعشریه و زیدیه تقسیم کرده است. ابن تیمیه شیعیان اثناعشری را به دلیل اعتقاد به مواردی از جمله نقص قرآن و ارتداد صحابه بعد از وفات پیامبر (ص)، کافر می‌دانست. ابن تیمیه در عناد و دشمنی با اهل بیت پیامبر (ع)، به ویژه امام علی (ع) بی‌تاب و بی‌قرار بوده است و ضروریات و مسلمات و یقینیات را انکار کرده است. وی هر حدیثی که در فضائل امیرالمؤمنین و اهل بیت (ع) وارد شده است را رد می‌کند و آن را دروغ و باطل شمرده و یا آن را مرسل، ضعیف و یا مجعول دانسته است. حتی اگر بزرگان از حفاظ، مشایخ و راویان اهل سنت با طرق عدیده‌ای آن را آورده باشند و در کتب خود تصریح به صحت متن و صحت اسناد و رجال آن کرده باشند. او به مجرد اینکه در آن حدیث ذکری از امام علی (ع) آمده باشد، آن را رمی به مجعول بودن کرده و به شیعه افترا می‌زند و راوی آن حدیث را تنها به جرم نقل این روایت ضعیف می‌شمارد. به‌طور کلی ملاک صحت و عدم صحت در نزد او، پیروی و تشیع و نقل فضائل امام علی (ع) است (امیری، ۱۴۰۰: ۴۶۹).



در نسبت حدیث به مصدر یا راوی آن اشتباه می‌کرد. همین اشتباه‌ها نقشی عمده در اندیشه‌های فقهی و کلامی وی داشت. همچنین تقطیع یا گزینش سخنان بر وفق دیدگاه‌های خود نیز از دیگر موارد اتهام وی است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۷۲). رد کردن احادیث صحیح در فضیلت علی (ع) هواداران وی را نیز به اعتراض واداشته است؛ چنان‌که آلبانی وی را به جرئت در انکار احادیث صحیح متهم کرده است. وی بی‌مهابا برخی از تضعیف‌های خود را به اجماع نسبت داده است. مثلاً حدیث تصدق خاتم علی (علیه‌السلام) را به اجماع نادرست می‌شمرد. در حالی‌که بسیاری از محدثان و مفسران بدان احتجاج کرده‌اند. این‌گونه تعامل با روایت‌ها، تداعی‌کننده روش جدال‌گرایانه وی در نقد علمی است. ایشان بسیاری از روایات را که در فضائل علی و اهل‌بیت وارد شده را انکار کرده است و در حقیقت یک نوع نصب خفی (نصب به معنای عداوت) در کلام ایشان وجود دارد، حتی مقلد ایشان آقای آلبانی که حدیث‌شناس معاصر هست و همه علمای حدیث اهل سنت او را به استنادی قبول دارند و او هم حنبلی مذهب است، می‌گوید ایشان در نقل احادیث یک نوع تسرع (شتاب‌زدگی) به خرج داده است (علی‌پور، ۱۳۹۶: ۳۵).

ابن تیمیه هنگامی‌که به حدیث غدیر می‌رسد، آن را منکر می‌شود، فلذا آلبانی می‌گوید که به‌خاطر تسرع این حدیث را منکر شده است. یعنی اطراف حدیث را ندیده است، جمع نکرده است و آن را منکر شده است، فلذا یک نوع نصب خفیه در کلمات ایشان هست. مرحوم علامه حلی کتابی نوشته است به نام «منهاج الکرامة فی الإمامة» این کتاب چاپ شده است و ابن تیمیه بر آن ردی نوشته است به نام: «منهاج السنه» که بسیار در این کتابش بد زبانی کرده است، ابن حجر می‌گوید ابن تیمیه برای کوبیدن علامه حلی، به قدری پیشرفت کرده که حتی احادیث مسلم و یقینی را انکار کرده است. ابن حجر می‌گوید، ابن تیمیه برای اینکه بتواند علامه حلی را نقد کند، احادیث مسلمی را که در حق امام علی و ائمه اهل‌بیت (ع) هست، انکار کرده است (آقا صفری، ۱۳۹۸: ۵۵). مسئله تفریق بین مسلمین از دیگر ویژگی‌های کلام ابن تیمیه است و آن هم در زمانی که مغول کشورهای اسلامی را فتح کرده است، بغداد را فتح

وی صریحاً از خلفای بنی‌امیه، حتی معاویه و یزید و خلفای عباسی جانب‌داری می‌کند. ابن تیمیه با استناد به روایت شعبی، پایه‌گذار شیعه را عبدالله سبا یهودی و دیگر زنداقه خوانده و پس از غوغاگری بسیار در این زمینه، به جعلی بودن این روایت اقرار کرده است. اما دانشمندان منصف، مبدأ تشیع را پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) خوانده و این انتساب دروغین به ابن‌سبا را دسیسه‌ای برای خدشه‌دار کردن تشیع دانسته‌اند. وی شیعه را به ایمان به سحر و فلسفه به‌عنوان جبت و طاغوت، ادای مناسک حج‌گونه هنگام زیارت قبور و همکاری با مشرکان در جنگ با مسلمانان، متهم کرده است. در جای دیگر، در تعریف ناصبی از زبان شیعه، وی را کسی می‌داند که به حقانیت خلفای سه‌گانه معتقد باشد. چنان‌که صحابه را بدترین امت پیامبر از منظر شیعه معرفی می‌کند. در حالی‌که به عقیده شیعه، ناصبی به‌معنای کینه‌ورز به اهل‌بیت (ع) است. همچنین ابن تیمیه شیعه را به قتل عثمان متهم کرده و شیعه را دروغ‌گوترین طایفه معرفی کرده است. ابن تیمیه در سال ۷۰۴ ق در قتل‌عام شیعیان کسروان، در امتداد اقدام‌های سرکوب‌گرانه ایوبیان و ممالیک برای قتل‌عام شیعیان و راندن آنان از مصر، شام و سپس مدینه و لبنان، نقشی مهم داشت. به گفته ابن‌کثیر او برای توجیه کشتارهایش، شیعیان را کافر و گمراه نامید. دامنه این کشتار تا قتل‌عام علویان شمال لبنان، قنیطره، عاقوره، بترون و عکا نیز امتداد یافت (بخشی، ۱۳۸۵: ۱۹۴). عده زیادی از فقها و قضات مذاهب چهارگانه اهل سنت به جهت عقاید، فتاوی‌اش و افکار ابن تیمیه، صریحاً نسبت کفر، ضلالت و بدعت به او داده‌اند؛ از جمله ۱۸ نفر از قضات اهل سنت حکم کرده‌اند که چون ابن تیمیه تنقیص انبیا کرده، کافر شده است. شوکانی در «البدراطلاع» گوید: محمد بخاری (درگذشت ۸۴۱) از علمای حنفی علاوه بر حکم به تکفیر ابن تیمیه، اعتقاد داشت هر کس ابن تیمیه را شیخ‌الاسلام بداند نیز کافر است. برخی از علمای اهل سنت نیز او را فردی کم‌عقل و هوسران نامیده‌اند. همچنین منتقدان از اشتباه‌های وی در نقل و نقد حدیث پرده برداشته‌اند.

وی گاه حدیث نبوی را قدسی می‌شمرد و در بسیاری اوقات احادیث متفاوت را باهم می‌آمیخت؛ چنان‌که گاه

نشان داده شود و به این وسیله اعتبار منابع به اثبات برسد.

🔍 یافته‌های تحقیق

📌 شباهت واردشده بر آیه اکمال

گرچه آیه اکمال همان گونه که بیان شد، دلالت روشنی بر ولایت و جانشینی حضرت علی(ع) دارد و روایات فراوانی نیز آن را تأیید می‌کند، لیکن این تیمیه پس از نقل قول علامه حلی(ره) در مورد دلالت این آیه بر ولایت حضرت علی(ع)، اشکال‌های مختلفی را بر آن وارد کرده است که عبارت‌اند از:

❶ ۱. عدم وجود روایت نزول در هیچ‌یک از کتب

ابن تیمیه درباره این شبهه بیان داشته است که: «این حدیث به اتفاق اهل معرفت نسبت به احادیث ساختگی از دروغ‌های ساختگی است؛ و این را اهل علم به حدیث می‌شناسند و باید به آنها مراجعه کرد؛ و به همین علت این روایت در هیچ‌یک از کتاب‌های حدیثی که اهل علم به آنها مراجعه می‌کنند، یافت نمی‌شود.» و در جایی دیگر اظهار داشته است که در این آیه به هیچ‌وجه دلالتی بر [فضیلت] علی و امامت او وجود ندارد. بلکه در آن خدا از کامل شدن دین و تمام شدن نعمت بر مؤمنان و رضایت بر اسلام به‌عنوان دین خبر داده است و ادعای کسی که مدعی است قرآن بر این وجه بر امامت علی دلالت دارد، دروغی آشکار است (حسینی، ۱۳۹۸: ۲۳). در پاسخ باید بیان داشت که وجود روایت مذکور در کتب بسیاری از عالمان اهل سنت مطرح شده است و عالمان بزرگ اهل سنت همچون ابونعیم و خطیب بغدادی آن را به سند صحیح نقل کرده‌اند و آن گونه که خود ابن تیمیه می‌گوید: برای شناخت احادیث ساختگی باید به اهل علم به حدیث مراجعه کرد و صحت این احادیث به همین صورت ثابت شده است، بنابراین جایی برای مناقشه در آنها نیست و ساختگی دانستن آنها از دروغ‌گو بودن ابن تیمیه است و احادیث صحیح دیگر نیز در بین احادیث نقل شده توسط اهل سنت وجود دارد. از طرفی علامه امینی(ره) از شانزده نفر از عالمان بزرگ اهل سنت نام می‌برد که این روایات را در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند و به‌عنوان نمونه در این پژوهش به برخی از این افراد اشاره می‌شود (حسینی، ۱۳۹۸: ۲۳).

کرده است و از شرق حرکت کرده است و در تمام زمین‌ها و شهرها قتل و غارت و حرب انجام گرفته است، در یک چنین زمانی که مسلمانان نیاز به وحدت کلمه دارند، ایشان اختلاف کلمه را ایجاد کرد، در حالی که مغول می‌خواهد کم‌کم دمشق را بگیرد، حتی پدر ابن تیمیه به‌خاطر اینکه گرفتار مغول نشود، از منطقه خودش به نام حران حرکت کرد و ساکن دمشق شد که در دمشق بماند تا حدی در امان باشد، در چنین شرایطی که مغول دارد تمدن اسلامی را از بین می‌برد، در چنین شرایطی اگر یک مسئله فکری و عقیدتی صحیحی هم باشد، ما باید سکوت کنیم تا این وحدت محفوظ بماند، در چنین زمان یک چنین اختلافی را ایجاد کرد (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۷۲).

🔍 روش اجرای پژوهش

این تحقیق از نوع نظری است و با استفاده از روش توصیفی انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل کیفی است. جامعه آماری کلیه اسناد و مدارک معتبر مرتبط با موضوع تحقیق است که تلاش شده است، به‌صورت تمام شمار مورد بهره‌برداری قرار گیرد. با توجه به اینکه در بخش کیفی صرفاً از اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای مرتبط با قلمرو موضوعی و مکانی تحقیق استفاده می‌شود، روش نمونه‌گیری هدفمند است. برای اطمینان از روایی، فیش‌برداری‌های انجام‌شده از اسناد و مدارک که از کتابخانه‌ها، مراکز تحقیقاتی حوزوی و پژوهشگاه‌های علوم قرآنی و حدیث، انتشارات و کلیه مدارک، کتب و مقالاتی که در جهت موضوع تحقیق موجود بوده است پس از چند بار مطالعه و سپس باهم مقایسه شد تا تداخلی در متن آنها وجود نداشته باشد و در واقع خصیصه موردنظر بررسی شده و تحقیق با استفاده از منابع مؤثر علمی و مقالات مربوط به موضوع انجام شد. همچنین تلاش محقق بر این بود که در جمع‌آوری داده‌ها از منابع دست‌اول و کتب معتبر که نویسندگان آنها صاحب‌نام بوده و توسط مؤسسات انتشاراتی مهم و معتبر به چاپ رسیده است، استفاده کند. اسناد و مدارک مورد استفاده از منابع بسیار معتبر استخراج شد که از اعتبار بالایی برخوردار باشند. داده‌های حاصل از منابع گوناگون با یکدیگر مطابقت داده شد تا همگرایی آنها

است که آیه ۷۷ از سوره آل عمران (إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا: آنان که عهد خدا و سوگند خدا را به بهایی اندک بفروشدند، اینان را در آخرت بهره‌ای نیست) از جمله این آیات است. روایات معتبری از دیدگاه اهل تسنن که بیان می‌کند شرح وقوع آیه اکمال در روز غدیر خم بوده است. این روایات که به نقل از مطر الوراق، شهر بن حوشب و ابن شوذب توسط ابوهیره بیان شده است که بیان می‌کند این روایان اهل تسنن نزول آیه اکمال در مکان غدیر روی داده است. در واقع این آیه بلافاصله بعد اعلام ولایت امام علی (ع) توسط پیامبر نازل شده است. ابوهیره در بیانی دیگر و به نقل از پیامبر ارزش روزه گرفتن در روز غدیر خم را بالاتر از ۶۰ ماه برمی‌شمرد. همچنین به صراحت بیان می‌کند که امام علی (ع) از سوی عمر بن خطاب به عنوان مولای مؤمنان مورد خطاب قرار گرفته است و آیه اکمال در این برهه نازل شده است (آقا صفری، ۱۳۹۸: ۵۵).

پاسخ: روایات فراوان از اهل سنت بر نزول آیه در غدیر خم

اولاً: در مقابل روایاتی که ابن تیمیه ادعا می‌کند، روایات فراوانی از خود اهل سنت نقل شده و بحث از آن گذشت که این آیه در غدیر خم و پس از معرفی حضرت علی (ع) به عنوان مولای مردم، نازل شده است؛ که این روایات با محتوای آیه که با مسئله‌ای جز معرفی جانشین برای پیامبر اکرم سازگاری ندارد، هماهنگ هستند؛ اما روایاتی که نزول آیه را در روز عرفه بیان کرده‌اند، با توجه به اینکه مشخص است، آن روز، روز باعظمتی بوده است؛ زیرا در آن روز، یأس و ناامیدی کفار و کامل شدن دین و کامل و تمام شدن نعمت الهی و رضایت پروردگار متعال اتفاق افتاده است، پس حادثه مهمی در آن روز رخ داده است؛ هر تفسیری برای اتفاقی که در آن روز رخ داده، غیر از معرفی جانشین برای پیامبر گرامی اسلام، مخدوش و دچار اشکال است و هیچ‌کدام با محتوای آیه سازگاری ندارند.

ثانیاً: با توجه به اینکه در تعداد بسیار اندکی از روایات امامیه نیز نزول آیه اکمال در عرفه بیان شده است، با این تفاوت که در این روایات مانند روایاتی که بر نزول آیه

۱- حافظ ابن مردویه (م ۴۱۰ ه.ق) در کتاب خود با عنوان «مناقب علی بن ابی طالب و ما نزل من القرآن فی علی»

۲- حافظ ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ه.ق)

۳- خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ه.ق)

۴- ابوالحسن ابن مغزلی شافعی (م ۴۸۳ ه.ق)

۵- ابوالقاسم حاکم حسکانی (م ۴۹۰ ه.ق)

۶- خوارزمی (م ۵۶۸ ه.ق)

۷- ابوالقاسم ابن عساکر شافعی (م ۵۷۱ ه.ق)

۸- ابوالمظفر سبط ابن الجوزی (م ۶۵۴ ه.ق)

۹- جوینی خراسانی (م ۷۲۲ ه.ق)

۱۰- ابن کثیر دمشقی شافعی (م ۷۷۴ ه.ق)

۱۱- جلال الدین سیوطی شافعی (م ۹۱۱ ه.ق) و...

این افراد تنها برخی از اهل سنت هستند که روایت یا روایاتی را با این مضمون در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند؛ و اما علمای امامیه به اجماع و اتفاق، همگی نزول این آیه را پس از اینکه پیامبر اکرم (ص) حضرت علی (ع) را به عنوان ولی و جانشین پس از خود به مردم معرفی کرد، بیان کرده‌اند؛ چنانکه علامه امینی (ره) به این مطلب اشاره کرده است؛ و روایات متعددی را در کتاب‌های خود از طریق اهل بیت (ع) و صحابه پیامبر اکرم (ص) در این باره نقل کرده‌اند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۷۲).

۲- نزول این آیه در عرفه

ابن تیمیه در کتاب «منهاج السنه» کسانی را که ادعا می‌کنند این آیه در محل غدیر خم نازل شده است را دروغ گو بیان کرده است و استدلال خود را به روز عرفه نسبت داده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۷۲).

در پاسخ به این شبهه باید گفت، نمی‌توان این چنین استدلال کرد که آیات قرآن تنها یکبار بر پیامبر نازل شده باشد. لذا صرف بیان اینکه آیه اکمال در روز عرفه و یا مناسبت‌های دیگری نازل شده باشد، دلیلی بر رد نزول آن در مناسبت‌های دیگر نیست؛ زیرا تمامی مفسران (اعم از شیعه و سنی) تصریح کرده‌اند، برخی از سوره و یا آیات، به مناسبت و به دلایل متعددی مثل عظمت شأن واقعه و یا تعدد اسباب نزول، تکرار شده

در غدیر خم دلالت دارند، در همگی آنها علت نزل آیه، اعلان ولایت امام علی (ع) بیان شده است مانند دو روایت ذیل:

۱- عیاشی با سندش از امام صادق (ع): هنگامی که رسول خدا (ص) در عرفات در روز جمعه اقامت کردند، جبرئیل نزد ایشان آمد و عرض کرد: ای محمد، خداوند به شما سلام می‌رساند و می‌گوید: به امت خود بگو: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» امروز برای شما دینتان را به‌وسیله ولایت علی بن ابی‌طالب کامل کردم و نعمت را بر شما تمام نمودم و برای شما اسلام را به‌عنوان دین پسندیدم و...»

۲- کلینی با سندش از امام باقر (ع): خداوند بر بندگانش پنج چیز را واجب کرد؛ آنان چهار چیز را گرفته و یکی را رها کردند. گفتیم: آیا آنها را برای من نام می‌برید؟ فرمود: نماز... پس زکات نازل شد... آنگاه روزه نازل شد... سپس حج نازل شد... و آنگاه ولایت نازل شد؛ همانا امر ولایت در روز جمعه در عرفه بر پیامبر وارد شد و خداوند چنین نازل کرد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» و کمال دین به ولایت علی بن ابی‌طالب است.

اما روایات اهل سنت مختلف است، آن روایاتی که نزل آیه را در عرفه بیان کرده‌اند، مانند روایاتی که احمد بن حنبل، بخاری، مسلم، ثعلبی، واحدی نیشابوری، ابن کثیر در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند، علتی برای نزل آیه در آنها ذکر نشده است همانند روایاتی که ابن تیمیه از عمر بن الخطاب نقل کرد، لیکن روایاتی که نزل آیه را در غدیر خم بیان کرده‌اند، همان‌گونه که پیش از این به برخی از آن روایات و منابع آنها اشاره شد، همگی علت نزل را اعلان ولایت حضرت علی (ع) بیان کرده‌اند.

شاید بتوان بین دو دسته روایاتی که درباره زمان و مکان نزل آیه اکمال است. (نزل در عرفه، نزل در غدیر خم) جمع کرد تا تهافت بین آنها از میان برود؛ به این صورت که بگوییم آیه اکمال دو بار نازل شده است، یکبار در عرفه و بار دیگر در غدیر و هر دو مربوط به اعلان ولایت امام علی است؛ و پیش از این در فصل سوم و در نوشتار دوم آن و در پاسخ به اشکال دوم ابن تیمیه به اثبات رسید که برخی آیات و برخی از سوره‌ها دو بار نازل شده‌اند.

شاهد بر این وجه جمع، حدیثی است که ابن طاووس از امام باقر (ع) نقل کرده است که امام فرمودند: «هنگامی که پیامبر خدا (ص) در عرفه وقوف کردند، جبرئیل به محضر حضرت رسید و گفت: ای محمد! خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌گوید اجل تو نزدیک شده است... علی را بر پا کن و بر ولایت او بیعت بگیر...» «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» [یعنی: امروز دین‌تان را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و...] به‌وسیله ولی خودم و مولای هر مؤمن و مؤمنه‌ای بندهام علی... پس رسول خدا از توطئه اهل نفاق و شقاوت که مبادا در بین امت تفرقه بسازند یا آنان را به جاهلیت برگردانند، بیمناک شد، چرا که از دشمنی و کینه‌توزی عده‌ای نسبت به امام علی باخبر بود؛ از این رو از جبرئیل خواست که از پروردگارش تضمین بگیرد... تا به غدیر خم رسیدند... توضیح اجمالی این مطلب بدین صورت است: هنگامی که در عرفه این آیه نازل شد، پیامبر خدا از توطئه جریان نفاق و تفرقه امت و ارتداد آنان بیمناک شدند و اعلان رسمی آن را به تأخیر انداختند و از خداوند تضمین خواستند که در پی آن آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» نازل شد و در آن تضمین خداوند با جمله «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» اعلان شد. آن‌گاه حضرت در غدیر خم به‌صورت رسمی ولایت امام علی (ع) را اعلان کردند و پس از آن دوباره آیه اکمال نازل شد؛ بنابراین بر فرض صحت سند روایاتی که می‌گویند: آیه اکمال در عرفه نازل شده است و در آنها صحبت از علت نزل نزل نشده است، می‌توان علت نزل را، از روایات دیگری که نزل در عرفه را بیان کرده‌اند، استفاده کرد که همان اعلان ولایت امام علی (ع) است؛ و هنگامی که این روایات در کنار روایات غدیر خم قرار بگیرند و روایات مربوط به نزل آیه اکمال در عرفه را کنار زنیم، می‌گوییم: این آیه دو بار نازل شده است و هیچ بُعدی در آن نیست (بخشی، ۱۳۸۵: ۱۹۴).

۲. عدم صحت روایت و عدم دلالت ظاهر آیه بر امامت علی (ع)

ابن تیمیه بیان داشته است که «این آیه به‌هیچ‌وجه دلالت بر امامت علی ندارد، بلکه در آیه، خداوند از کامل کردن دین و تمام و کامل کردن نعمت و رضایتش به اسلام به‌عنوان دین خبر می‌دهد؛ پس ادعای مدعی که قرآن

یکبار در شب بعد از عرّفه (بعد از عزیمت مردم به مزدلفه در نزدیکی منا) و یکبار نیز در روز دوشنبه نقل کرده است. همچنین روایت صحیح بخاری از ثقیان سوری بیان می‌کند که این تعارضات نمی‌تواند با استدلال‌های محکمی همراه باشد.

سیوطی از مفسران اهل سنت یکی از شأن نزول‌هایی که برای این آیه شریفه نقل کرده است روز ۱۸ ذی‌الحجه در غدیر خم است. حسکانی یکی دیگر از بزرگان اهل سنت در چند حدیث با سندهای مختلف ذیل این آیه شریفه شأن نزول آن را مربوط به ولایت امیرالمؤمنین در غدیر خم می‌داند. ابن‌عساکر از دیگر بزرگان اهل سنت در چند روایت، از جمله شأن نزول‌هایی که برای این آیه نقل شده را ۱۸ ذی‌الحجه و روز غدیر می‌داند. ابن‌اثیر نیز در روایتی شأن نزول این آیه را در مورد غدیر خم نقل کرده است. البته دلیل کسانی که نزول این آیه در روز غدیر را انکار می‌کنند، روایتی است که در صحیح بخاری از عمر بن الخطاب نقل شده است که این آیه در روز عرّفه نازل شده است و لذا نزول این آیه در ۱۸ ذی‌الحجه را تکذیب می‌کنند. قول مشهور اهل سنت است که معتقدند، کلمه «الیوم» در این آیه، اشاره به روز نهم ذی‌حجه سال دهم هجری است و آیه شریف، در صحرائی عرفات بر پیامبر (ص) که مشغول انجام حجّه‌الوداع بود، نازل شد. طرفداران این نظریه، اهمیت این روز را به این می‌دانند که با تشریح حکم حج به‌عنوان آخرین واجب شرعی، نزول احکام آسمانی به پایان رسید و از آن پس، هیچ حکم دیگری نازل نشد و هیچ حکم شرعی نسخ نشده است. در این زمان، مشرکان از اینکه بر دین اسلام غلبه کنند، مأیوس و ناامید شدند.

۴. دروغ بودن دعای منسوب به پیامبر «این دعای منسوب به پیامبر «اللّهُمَّ وَالْ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادَ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذَلْ مَنْ خَذَلَهُ» [یعنی: پروردگارا! دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار، یارانش را یاری کن و آنها که یاریش را ترک کنند، از یاری خویش محروم ساز] به‌اتفاق اهل معرفت به حدیث دروغ است.»

این اعتراف یکی از اهل سنت است که می‌گوید: این روایت را سی نفر از صحابه نقل کرده‌اند و اکثر طرق آن صحیح یا حسن است؛ و به‌همین جهت است که وقتی به

با این آیه دلالت بر امامتش می‌کند، دروغی آشکار است و اگر گفته شود که حدیث دلالت بر آن می‌کند، پاسخ داده می‌شود که اگر حدیث صحیح باشد، حجت همان حدیث است نه آیه و اگر حدیث صحیح نباشد، حجتی از حدیث و آیه بر امامت علی وجود ندارد.» همچنین عدم صحت روایت به‌دلیل راوی بودن ابونعیم اصفهانی یکی از شبهات اولیه ابن‌تیمیه در خصوص زمان نزول آیه اکمال بعد از واقعه غدیر خم است و حتی به‌صراحت بیان کرده است که ابونعیم اصفهانی دارای روایات ضعیف و غیرقابل اثبات است. یکی از روش‌های استدلال حدیث و روایت در مذهب تشیع را می‌توان در ارائه نقل‌های متعدد از آن مطلب توسط سایر راویان و علمی اهل تسنن دانست که نشان می‌دهد فارغ از تعصبات مذهبی ادعا بر صحیح بودن آن مورد اتفاق قرار گرفته است و دلیل بر محکم بودن آن است. هیچ‌یک از راویان حدیث به‌دلیل دارا نبودن مقام عصمت نمی‌توانند ادعا کنند که تمامی احادیث نقل شده از سوی ایشان می‌توان صحت داشته باشد. به‌همین دلیل راویان حدیث در هنگام استدلال خود نقل‌های سایر راویان را بیان کرده تا صحت کلام خود را ارائه دهند. از طرفی پذیرش ادعای ابن‌تیمیه در این باب که صرف وجود تعدادی روایت‌های ضعیف از یک راوی باید دلیل بر رد اظهارات وی باشد، باید به رد روایت‌های افراد معتبری مانند مسلم و بخاری نیز رأی داد، زیرا ثابت شده است که در این دو منبع، روایات ضعیف متعددی وجود دارد. ادعای ساختگی بودن حدیث بیان شده در خصوص آیه اکمال که به‌صراحت اوسط ابن‌تیمیه بیان شده است را می‌توان همسو با تعصبات ناصبی بودن ابن‌تیمیه دانست که مورد اتفاق برخی از دانشمندان اهل سنت است. در واقع ایشان به‌دنبال کتمان فضایل و جایگاه والای اهل بیت بوده است و اثبات این ادعا را می‌توان در بیان بدون سند و دلیل وی دانست که بیان می‌کند «این روایت کذب و موضوع است.» استناد ابن‌تیمیه به‌واقع نشدن آیه اکمال در مکان غدیر خم و اینکه روایت خود را از چه مسیری به اثبات رسانیده است، می‌تواند دارای شبهات متعددی باشد که از جمله آنها می‌توان به روایت مسلم از عمر بن خطاب اشاره کرد که در ۴ روایت متفاوت، زمان نزول آیه را یکبار در روز عرّفه و روز جمعه یکبار در شب جمعه و

که یاریش را ترک کردند، از یاری خویش محروم ساز» پس یاری خدا کجاست؟ و این مطلب و غیر آن دروغ بودن این حدیث را آشکار می‌سازد.

پاسخ: به اجابت رسیدن دعای مذکور

اولاً: با وجود روایاتی که دعای پیامبر اکرم را این‌گونه نقل کرده‌اند و این روایات در کتاب‌های تعداد زیادی از عالمان اهل سنت ذکر شده است که در بین آنها سندهای معتبر و صحیحی وجود دارد که به این مطلب پیش از این اشاره شد و در نتیجه اثبات شد که پیامبر اکرم در حق حضرت علی این‌گونه دعا کرده‌اند؛ ابن تیمیّه و امثال وی، اگر دعای پیامبر خدا را اجابت شده می‌دانند، پس باید بپذیرند که این دعای پیامبر نیز به اجابت رسیده است و پروردگار متعال دوستان حضرت علی را دوست و دشمنان او را دشمن می‌دارد، یارانش را یاری کرده و آنها که یاریش را ترک کردند، از یاری خویش محروم ساخته و آنها را خوار و ذلیل کرده است، هر چند ابن تیمیّه و امثال او نفهمند و این را درک نکنند.

ثانیاً: قسمت اول این دعا که فرمود: «پروردگارا! دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار»؛ اینکه خداوند متعال برخی را دوست و برخی را دشمن بدارد، مربوط به ذات مقدّس اوست؛ و ابن تیمیّه و امثال او اگر دعای پیامبر را اجابت شده می‌دانند، باید بپذیرند که دوستی با حضرت علی دوستی با خداست و دشمنی با او دشمنی با خداست؛ که این دوستی و دشمنی در دنیا و آخرت آثار و نتایج دارند که قابل انکار نیست.

و اما در مورد قسمت دوم دعا که فرمود: «یارانش را یاری کن و آنها که یاریش را ترک کنند از یاری خویش محروم ساز»؛ یاری خداوند و دستگیری او در عالم آخرت نسبت به برخی از افراد مربوط به ذات مقدّس اوست که ابن تیمیّه و امثال او، اگر دعای پیامبر را اجابت شده می‌دانند، تنها با فرض این دعا باید بپذیرند آنها که حضرت علی را در دنیا یاری کردند، در آخرت از آنها دستگیری شده و یاری می‌شوند و به سعادت ابدی می‌رسند و آنها که یاریش را ترک کردند در عالم آخرت، خوار و ذلیل رها می‌شوند و دچار عذاب الهی می‌گردند.

و اما آنچه باعث شد که ابن تیمیّه چنین اشکالی کند، این بود که او با جهل عمیق و کوتاه‌نظری‌اش، پنداشته است که چون برخی از افراد یاری حضرت علی را ترک

کتاب‌های اهل سنت رجوع شود، ملاحظه می‌شود که این روایت در کتاب‌های بسیاری از عالمان آنها نقل شده است و تعداد زیادی از اسناد این روایت صحیح و معتبر است؛ و یکی از سندهای صحیح روایت ابونعیم است که روایت وی ذکر شد و صحت سند آن بررسی و به اثبات رسید. به‌عنوان نمونه نام برخی از عالمان اهل سنت که پیش از ابن تیمیّه و پس از او این روایات را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند، ذکر می‌شود:

احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ه.ق) ۲- ابوبکر بزار (م ۲۹۲ ه.ق) ۳- نسائی (م ۳۰۳ ه.ق) ۴- طحاوی (م ۳۲۱ ه.ق) ۵- طبرانی (م ۳۶۰ ه.ق) ۶- خوارزمی (م ۵۶۸ ه.ق) ۷- ابن عساکر (م ۵۷۱ ه.ق) ۸- مقدسی (م ۶۴۳ ه.ق) ۹- ابن کثیر (م ۷۷۴ ه.ق) ۱۰- هیثمی (م ۸۰۷ ه.ق) ۱۱- جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ ه.ق) ۱۲- ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴ ه.ق) ۱۳- متقی هندی (م ۹۷۵ ه.ق) ۱۴- حلبی (م ۱۰۴۴ ه.ق) و...

بنابراین با وجود نقل این دعای پیامبر (ص) توسط تعداد زیادی از عالمان اهل سنت که در بین آنها سندهای خیلی خوب و معتبری وجود دارد، مشخص می‌شود که ابن تیمیّه چه وقیحانه دروغ گفته است که این دعا، به‌اتفاق اهل معرفت به حدیث دروغ است؛ و ابن تیمیّه نمی‌تواند نقل عالمان بزرگشان مانند ابن حنبل و نسائی و... را نادیده بگیرد.

به اجابت نرسیدن دعای «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ...» دلیل دروغ بودن آن

از آنجا که بدون شک دعای رسول خدا مستجاب است، اما می‌بینیم که دعای «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ...» به اجابت نرسیده، پس معلوم می‌شود این دعا از پیامبر نیست چون هنگامی که علی (ع) به خلافت رسید، صحابه و دیگر مسلمانان سه گروه شدند، گروهی با او همراهی کرده، گروهی با وی جنگیده و گروهی نیز دست از حمایت علی و دشمنان وی برداشتند و گفته شده حتی برخی از مسلمانان پیش‌تاز در اسلام با وی جنگیدند... و این کسانی که با علی جنگیدند، دچار خواری و بی‌کسی نشدند، بلکه همیشه پیروز بودند و شهرها را فتح کردند... و لشکر معاویه هرگز خوار و ذلیل نشد و کسانی که در کنار علی با آنان جنگیدند، یاری نشدند؛ پس چگونه پیامبر گفته است: «پروردگارا! یارانش را یاری کن و آنها



جامعه اسلامی را به عصر جاهلیت بازمی‌گرداندند، نشان دهند و به این هدف بزرگ رسیدند، مسلمانان را از خطر آگاه کردند و اسلام را از سقوط رهایی بخشیدند، آیا می‌توان گفت که آن‌ها در کربلا مغلوب شدند.

مهم این است که انبیاء و جنود الهی یعنی مؤمنان در برابر تمام تلاش‌های مستمر و منسجم دشمنان حق توانستند، اهداف خود را در دنیا پیش ببرند و در برابر همه طوفان‌ها قد علم کردند و مکتب خود را تداوم بخشیدند.

پس بنابراین حضرت علی نیز که همیشه از اسلام حقیقی دفاع کرد و در مقابل معاویه و امثال او و در مقابل ناکشین و قاسطین و مارقین هرگز تسلیم نشد؛ بلکه ذات پلید آنها را برای همه آشکار کرد و همواره بندگی خدا را کرد و از آن تخطی نکرد، آن حضرت و کسانی که در این راه با او قدم برداشته‌اند، یاری شده‌اند که اگر یاری خدا نبود، چنین توفیقاتی نبود؛ و با یاری خداوند متعال، نام آنها همیشه در دنیا به نیکی می‌درخشد و به یاری خداوند در دنیا با عزت زندگی کرده و با عزت از دنیا رفتند؛ و همین است که همچنان پس از قرن‌ها عشق و محبت حضرت علی(ع) در قلب‌های خوبان جهان جای داشته و مرقد مطهر آن حضرت ملجأ و پناهگاه عاشقان است و اینکه دشمنان آن حضرت مانند معاویه و لشکریانش؛ در مقابل حضرت شمشیر کشیدند، یعنی در مقابل اسلام مجسم و جانشین بر حق پیامبر ایستادند که باید منتظر انتقام الهی باشند؛ و نام معاویه، بنی‌امیه و دشمنان آن حضرت به زشتی و انزجار بر زبان‌ها جاری شده و قبر و محل دفن آنان یا از بین رفته و یا به جاهای پست و کثیف تبدیل شده و این چیزی جز خذلان و خواری و ذلت نیست.

◀ شناسایی گزاره‌ها و دلایل وارد بر شبهات

توجه دقیق به چگونگی مطرح شدن شبهات یاد شده و همچنین سطح تفکر اعتقادی، سیاسی ابن تیمیه نسبت به مذاهب تشیع، محققان این پژوهش را به طرح استدلال‌های زیر به‌عنوان گزاره‌ها و دلایل احصا شده از چیستی، چرایی و چگونگی شبهات مطرح شده، ترغیب کرده است.

۱. غیر معتبر بودن ولایت امام علی(ع).
۲. زیر سؤال بردن صداقت و راستی پیروان ایشان در مذاهب تشیع و نامشروع اعلام نمودن حکومت‌های وابسته به این مذهب.

کردند و یا با او جنگیدند، ولی دچار برخی از فتوحات نیز شدند، پس آنها خوار و ذلیل رها نشدند و اینکه حضرت علی در برخی از جنگ‌ها و نبردها در ظاهر پیروز نشده است، پس او و لشکریانش یاری نشدند، در نتیجه این دعای پیامبر نیست و دروغ است؛ درحالی‌که این دعا با توجه به اسناد آن از پیامبر خدا صادر شده است و ابن تیمیه است که با معارف اسلام آشنا نیست و معنای یاری کردن خدا و خواری و ذلت و رها شدن از جانب خدا را نفهمیده است؛ چرا که خداوند سبحان نصرت و یاری خود را همواره برای انبیاء و پیامبران خویش و شکست و خواری را سرنوشت جاودان دشمنان آنان دانسته و این در حالی است که اکثر پیامبران الهی به ظاهر از دشمنان خود شکست خورده و حتی جان خود و بسیاری از یاران خود را در این راه از دست داده‌اند؛ با این وجود خداوند متعال از آنان به‌عنوان پیروز واقعی یاد کرده و می‌فرماید: «إِنَّا لَنَبْصِرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛ ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم»؛ و در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ؛ وعده قطعی ما درباره بندگان فرستاده شده ما از پیش مسلم شده * که آن‌ها یاری شدگان‌اند.» به گفته برخی از مفسران: این حمایت، حمایتی بی‌دریغ و مؤکد به انواع تأکید، حمایتی بی‌قید و شرط است و به‌همین جهت انواع پیروزی‌ها را به‌دنبال دارد؛ و اعم از پیروزی در منطق و بیان، یا پیروزی در جنگ‌ها، یا فرستادن عذاب الهی بر مخالفان و نابود کردن آنان و یا امدادهای غیبی که قلب را تقویت روح را به لطف الهی نیرومند و قوی می‌سازد، است.

پس پیروزی و یاری خداوند، معنای وسیعی دارد و همیشه به معنای غلبه ظاهری و جسمانی بر دشمن نیست، گاه پیروزی، پیروزی مکتب است و مهم‌ترین پیروزی همین است، بر فرض پیامبر در یکی از غزوات شهید شده بود، اما می‌بینیم آئینش دنیا را گرفته، آیا ممکن است این شهادت را به شکست تعبیر کنیم؟

مثال روشن‌تر اینکه امام حسین(ع) و یارانش در کربلا به شهادت رسیدند، ولی هدف آنها این بود که چهره زشت بنی‌امیه را که مدعی خلافت پیامبر بودند، اما در حقیقت

۳. بستن افترا امام علی (ع) در خصوص دنیاپرستی ایشان و میل داشتن به جایگاه‌های مادی و دنیوی.
۴. رسمیت یافتن حکومت خلفای چهارگانه.
۵. کاهش محبوبیت امام علی (ع) به دلیل قابل مقایسه نبودن جمعیت عرفه، مدینه و یا منی با جمعیت مستقر در غدیر خم.
۶. تلاش برای حذف اتفاقات بعد از حادثه غدیر خم (کم اهمیت نشان دادن بیعت آحاد مردم با امام علی (ع)، به فراموشی سپردن حادثه غدیر خم با توجه به برگزاری مستمر مراسم حج و هراس از به رسمیت یافتن آن به‌عنوان یک روز مهم).
۷. عدم تبعیت از امام علی (ع) و زیر سؤال بردن مقام امامت ایشان.
۸. ایجاد شبهه در محبوبیت و صفات عمومی امام علی (ع) (حتی خارج از دین اسلام) همچون عدالت، برابری و مساوات و...
۹. جهت‌دهی کانون توجهات به ادیان گذشته.
۱۰. القای تکراری بودن این‌گونه اتفاقات در زمان انبیاء گذشته (برای اعلام دوستی، برادری و...).
۱۱. تلاش برای ناشناخته بودن جایگاه و عظمت امام علی (ع).
۱۲. تلاش برای به فراموشی سپردن مکان اعلام امامت و جانشینی امام علی (ع).
۱۳. تلاش برای حذف تفاسیر و معانی باطنی آیات منتسب به امام علی (ع).
۱۴. پایه‌گذاری و ایجاد مقدمات تفکری و ذهنی برای توجیه نمودن عداوت و دشمنی با مذاهب تشیع.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

دلایل و شواهد محکم قرآنی، روایی و تاریخی حاکی از این است که پیامبر (ص) از همان روزهای نخست دعوت تا روزهای پایانی عمر، در موقعیت‌های گوناگون امام علی (ع) را به‌عنوان جانشین خود در امر امامت و حاکمیت پس از خود معرفی کردند. برجسته‌ترین موقعیتی که پیامبر (ص) در آن به نصب الهی امام علی (ع) به خلافت پس از خود تصریح کردند، خطبه صریح پیامبر (ص) مبنی بر ولایت امام علی (ع) در روز هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجرت در کنار غدیر خم بود و از مسلمانان بر آن بیعت گرفتند. این امر، واقعیتی است که

همه مفسران و دانشمندان شیعه و اکثر قریب به اتفاق علما و مفسران و محدثان معروف اهل سنت، بر آن اتفاق نظر دارند؛ اما با این وجود شبهات متعددی پیرامون آیات ولایت مطرح شده است که در این پژوهش به بررسی شبهات ابن تیمیّه در خصوص آیه اکمال پرداخته شد. این پژوهش از آن جهت مورد تأکید محققان قرار گرفته است که کم‌رنگ کردن حادثه غدیر خم و تحت شعاع قرار دادن ولایت و حاکمیت امام علی (ع) می‌تواند در عصر حاضر محبوبیت، مقبولیت و گرایش به سمت فضائل و حکمت‌های مذاهب تشیع را مورد تهدید قرار دهد. پس از بررسی و مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای مشخص شد، استدلال‌های چهارده‌گانه ارائه شده می‌تواند در دو استراتژی مهم بازنویسی و مدیریت شود. این ابعاد را می‌توان در دو ساختار مجزا اما به هم پیوسته «عناد و دشمنی سنتی با مذهب شیعه با تبعیت از جریان‌های انحرافی ایجاد شده در صدر اسلام» (با توجه به جایگاه ولایت به‌عنوان تمام‌کننده دین اسلام و نعمت خداوند) و همچنین «هراس از گسترش محبوبیت و شناخت جایگاه اهل‌بیت (ع) در تشکیل جامعه عدالت‌خواه و استکبارستیز» (با توجه به تکمیل شدن دین اسلام با مذهب تشیع) قابل ارائه است. لذا پیشنهاد می‌شود ضمن در اختیار قرار دادن نتایج پژوهش به مراکز علمی و پژوهشی، متولیان و مجریان حوزه امام‌شناسی، استدلال‌های این تحقیق را به‌صورت تخصصی‌تر بررسی کرده و با تشکیل همایش‌ها، سمینارها و جلسات تخصصی متعدد راهکارهای مؤثری برای خنثی کردن این گزاره‌ها و جلوگیری از افزایش شکاف و دودستگی در دین اسلام اقدام کنند.

منابع و مأخذ

- آقا صفری، علی؛ نظیر عرفانی، محمد و تقی‌اف، فرقت، (۱۳۹۸). تحلیل آرای مفسران معاصر اهل سنت از آیه اکمال دین، کنگره باخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین علی (ع)، اصفهان.

- امیری، سید علی؛ شاکری خویی، احسان؛ احدی، پرویز؛ زارع مهدوی، قادر و جوانپور هروی، عزیز. (۱۴۰۰)، بحران مشروعیت در آرا ابن تیمیّه، جامعه‌شناسی سیاسی ایران.

- ابن تیمیّه، احمد بن عبدالحلیم، (۱۴۰۶)،

(۱۳۹۶). تأثیر اندیشه‌های ابن تیمیه بر خطوط فکری و خط‌مشی گروه‌های سلفی- تکفیری، اندیشه سیاسی در اسلام. غلامی نژاد، فهیمه؛ قاسم‌پور راوندی، محسن و علایی رحمانی، فاطمه، (۱۴۰۱)، تحلیل و بررسی دیدگاه‌ها و آراء مفسران درباره مراد «نعمت» در آیه اکمال، فصلنامه معرفت. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، «التفسیر الکبیر»، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت. فیومی، احمد بن محمد، (۱۳۹۱)، «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر»، چاپ دوم، مؤسسه دارالهجره، قم، بی‌تا. قرایی سلطان‌آبادی، احمد، (۱۳۹۶)، تبیین فهم آیه اکمال دین بر اساس نظم فراخطی قرآن، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن. کیایی، سیده فاطمه؛ پوراابراهیم، شیرین، (۱۳۹۹)، آیه اکمال و دلالت آن بر واقعه غدیر: تحلیل بر اساس ویژگی دستوری «گذرای»، پژوهش‌های ادبی - قرآنی. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، «الکافی»، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

«منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعیه القدریه»، تحقیق محمد رشاد سالم، چاپ اول، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، ریاض. یخشی، شیخ احمد، مهدی، (۱۳۸۵). جهاد؛ از ابن تیمیه تا بن لادن، فصلنامه علوم سیاسی. حسینی، منصور؛ صانعی پور، محمد حسن؛ مروجی، لیلا السادات و عبدالله زاده، رحمت‌الله، (۱۴۰۱). تناسب آیه سوم سوره مائده از دیدگاه اهل سنت، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن. حسینی، سید احمد، (۱۳۹۸)، آیه اکمال و ارتباط آن با مسئله امامت امیر المؤمنین علی (ع)، کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیر المؤمنین علی (ع)، اصفهان. رحمان ستایش، محمد کاظم؛ حسنی بافرانی، طلعت و آل ابراهیم دهکردی، فاطمه زهرا، (۱۴۰۱). بررسی تفسیری آیه اکمال با تکیه بر ارزیابی دیدگاه ناسازگاری سیاقی، مطالعات تفسیری. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۳)، «مفردات الفاظ القرآن»، چاپ اول، دارالقلم، بیروت، بی‌تا. زریاب خوبی، عباس، (۱۳۷۴)، ابن تیمیه، در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ج ۳. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۹۲)، بررسی افکار و اندیشه‌های ابن تیمیه و محمد بن عبد الوهاب، پایگاه اطلاع‌رسانی فارس <https://www.farsnews.ir>. سیوطی، جلال‌الدین، عبدالرحمان بن الکنال، (۱۹۹۳)، «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، دارالفکر، بیروت. شوکانی، محمد بن علی، (۱۴۱۴)، «فتح القدیر»، چاپ اول، دار الکلم الطیب، بیروت. طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، چاپ اول، مؤسسه الاعلمی، بیروت. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، چاپ سوم، انتشارات ناصر خسرو، تهران. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، «تفسیر العیاشی»، چاپ اول، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران. علی‌پور، جواد؛ قیطاسی، سجاد و دارابی، مهدی،